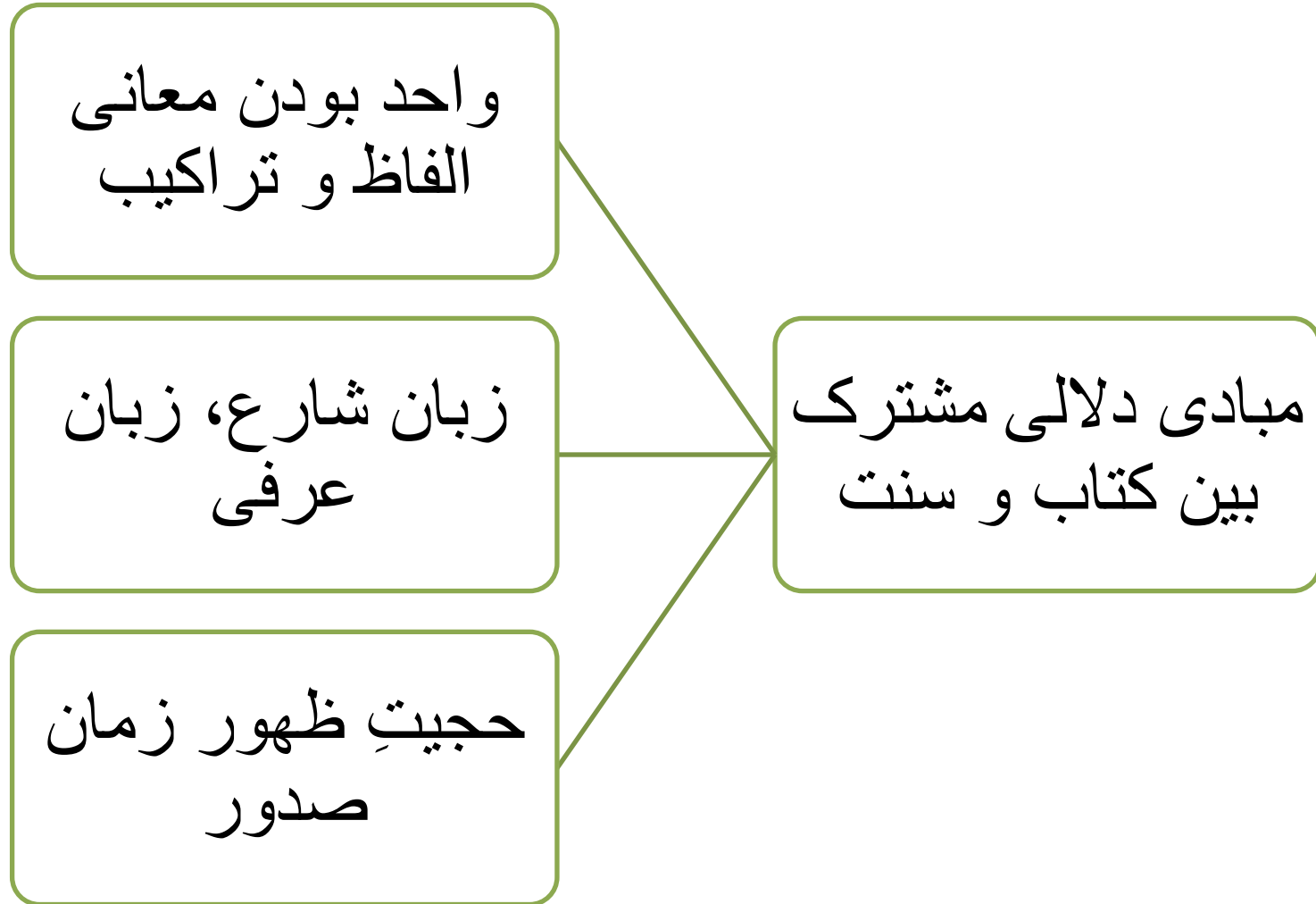


علم أصول الفقه

۲۱-۸-۹۱ مبادئ مختص تصديقي ۱۳

دراسات الاستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

مبادی دلالی مشترک بین کتاب و سنت



فرایند انتقال معنا از گوینده به شنونده

- اما واقعاً در هنگام استعمال و کاربرد لفظ و در هنگام شنیدن لفظ یا به تعبیر دیگر، در هنگام دلالت، چه اتفاقی می‌افتد؟

فرایند انتقال معنا از گوینده به شنونده

- شاهد بودیم که فیلسوفان هرمنوتیک چندان استدلالی بر ادعای خویش نداشتند و نتوانستند مطالب خود را اثبات کنند.
- واقع آن است که برای تحلیل الفاظ (همین الفاظی که در محاورات هم به کار می‌گیریم)، بهترین مجال، رجوع به وجدان است. باید ببینیم در هنگام کاربرد لفظ (یا به تعبیر اصولی: استعمال لفظ) و یا در هنگام شنیدن لفظ و به تعبیر دیگر (دلالت)، چه اتفاقی برای ما می‌افتد. در واقع بایستی آنچه را به علم حضوری در نزد خود داریم، تحلیل نماییم.

فرایند انتقال معنا از گوینده به شنونده

- با مراجعه به درون و توجه به علم حضوری در می یابیم که بین لفظ و معنا تفاوت است. مقصود ما از لفظ، فقط وجود خارجی لفظ که با تموج هوا پدید می آید، و در جسم مادی نقش می بندد، نیست.
- در اینجا **صورت ذهنی لفظ** مد نظر قرار می گیرد. صورتی که از یک آوا در ذهن ما وجود دارد، یک لفظ شمرده می شود.

فرایند انتقال معنا از گوینده به شنونده

- لازم به ذکر است که در اینجا کتابت مورد نظر ما نیست؛ زیرا فقط آدم‌های با سواد صورت مکتوب را در ذهن حاضر می‌کنند و آدم‌های بی‌سواد از آن بی‌بهره‌اند. کتابت خود علامتی برای لفظ است. آشنای به وضع، از کتابت به لفظ منتقل می‌شود؛ اما به هر حال لفظ غیر آن چیزی است که نوشته می‌شود.

فرایند انتقال معنا از گوینده به شنونده

- بنابراین لفظ، چه لفظی که بر زبان جاری می‌کنیم و با فرایند خاصی به گوش شنونده می‌رسد و چه مفهوم لفظ که در اذهان وجود دارد و صورت ذهنی لفظ را تشکیل می‌دهد، با معنا تفاوت دارد.

فرایند انتقال معنا از گوینده به شنونده

- به همین دلیل اگر کسی بر چند زبان مسلط باشد، در ازای معنا، دارای چند لفظ است و البته چند صورت لفظ نیز در ذهن دارد. مثلاً به آن مایع بی-رنگ و بی-بو و بی-مزه که در هنگام تشنگی می‌خوریم، در فارسی و عربی و انگلیسی به ترتیب می‌گوییم: آب، ماء، Water.
- هر یک از این سه لفظ در مقابل آن معنا قرار گرفته‌اند و با آن معنا فرق دارند.
- ارتباط هر لفظ با معنا از طریق وضع صورت می‌گیرد که در مورد حقیقت آن در جای خودش سخن خواهیم گفت.

فرایند انتقال معنا از گوینده به شنونده

- حال وقتی متکلم سخن می‌گوید، در واقع معنایی در ذهن خویش دارد که برای انتقال آن به دیگران، لفظی را به تناسب بر می‌گزیند.
- این لفظ با قطع نظر از این که چه کسی آن را به کار می‌گیرد و در چه متنی قرار دارد و صرف نظر از این که گوینده آن را اراده کرده یا نکرده و استعمال آن حقیقی است یا نه، در صورتی که برای معنایی وضع شده باشد، بر آن معنا دلالت دارد و موجب انتقال آن معنا می‌شود. در اصول نام آن را مدلول تصویری می‌گذاریم.
- بنابراین مدلول تصویری لفظ آن چیزی است که لفظ بر آن دلالت می‌کند.

فرایند انتقال معنا از گوینده به شنونده

- اما نحوه‌ی کاربرد گوینده همیشه یکسان نیست. کاربرد او ممکن است حقیقی باشد، ممکن است مجازی باشد؛ ممکن است مدلول صریح را در نظر داشته باشد و ممکن است مدلول کنایی را قصد کرده باشد.
- به عبارت دیگر ممکن است مراد او با مدلول تصویری دقیقاً یکی نباشد. به آنچه متکلم اراده کرده، مدلول تصدیقی می‌گوییم.

فرایند انتقال معنا از گوینده به شنونده

- مشهور اصولی‌ها مدلول تصدیقی را به دو قسم تقسیم کرده‌اند:
- ۱. مدلول استعمالی. ۲. مدلول جدی.
- شهید صدر قسم دیگری نیز به نام مدلول **تفهیمی** به آن دو اضافه می‌کند.

فرایند انتقال معنا از گوینده به شنونده

- مدلول جدی آن مفادی است که متکلم می‌خواهد با لفظ خویش به شنونده انتقال دهد. این مدلول یا خبر از یک مطلبی است و یا انشای یک معنایی و تابع اراده و قصد متکلم می‌باشد.
- به عنوان نمونه کلمه‌ی «خریدم» هم می‌تواند در مقام اخبار به کار رود و هم در مقام انشاء. این اراده‌ی متکلم است که تعیین کننده‌ی معنای مورد نظر از این لفظ است.

فرایند انتقال معنا از گوینده به شنونده

- از آن سو، وقتی این لفظ را مخاطب می شنود و صورت لفظ را در ذهن خویش حاضر می نماید، در ابتدا از لفظ به مدلول تصویری منتقل می شود و سپس بر اساس این که لفظ به چه شکل انتقال پیدا می کند، به مدالیل تصدیقی لفظ دست می یابد. در مورد فرایند انتقال در ابتدای مباحث الفاظ بحث خواهیم کرد.

فرایند انتقال معنا از گوینده به شنونده

- در اینجا امکان دارد گوینده به دلیل ضعف بیانی، نتواند برای بیان مراد خویش، الفاظ مناسب به کار گیرد. همانند کسی که تازه با یک زبان آشنا شده است. او الفاظی را به کار می‌گیرد که یا دقیقاً رساننده-ی معنا نیستند یا بیانگر معنای دیگری هستند.
- اما اگر گوینده لفظ را درست انتخاب نماید و آنچه برمی‌گزیند در انتقال درست معنا او را یاری دهد، در ناحیه-ی او داستان به پایان رسیده است. در این موقع است که می‌گوییم او کاربرد درستی انجام داده است. او دقیقاً همان لفظی را برگزیده است که می‌تواند معنای مورد نظرش را به دیگران انتقال دهد.

فرایند انتقال معنا از گوینده به شنونده

- حال اگر مخاطب با لفظ و خصوصیات آن و نحوه-ی بیان گوینده آشنا باشد، به معنای مورد نظر گوینده دست می‌یابد. در این صورت او در فهم کلام (یا به تعبیر دیگر در تفسیر کلام) موفق بوده است. بدین ترتیب فرایند انتقال کامل می‌شود.
- به عبارت دیگر اگر معنایی که گوینده با آن آغاز می‌کند، با معنایی که در نهایت، مخاطب به آن منتقل می‌شود، بر هم تطابق پیدا کند، این فرایند را یک فرایند کامل می‌گوییم و آن واسطه-ای که انتقال معانی به ذهن مخاطب را ممکن می‌سازد، الفاظ است.